

تبیین جامعه‌شناختی تأثیر قوم‌گرایی بر توسعه مدنی

(مورد مطالعه: استان بوشهر)

عابدین عابدی‌زاده*

سید یعقوب موسوی**، حسن محدثی گیلوایی***، مجید کفاشی****

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر قوم‌گرایی بر توسعه‌ی مدنی شهروندان استان بوشهر انجام است. قوم‌گرایی در مقاله به معنای تعلق قومی و قوم‌دوستی مورد مطالعه قرار گرفت، جامعه آماری تحقیق، شهروندان استان بوشهر در نظر گرفته شد. حجم نمونه تحقیق با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی پرسشنامه به اجرا درآمد. یافته‌ها نشان می‌دهد تأثیر متغیر قوم‌گرایی بر توسعه‌ی مدنی شهروندان معنادار و به میزان ۳۷.۴ درصد است. به عبارتی ۳۷ درصد از تغییرات توسعه‌ی مدنی توسط متغیر قوم‌گرایی تبیین می‌شود و ۶۳ درصد دیگر مربوط به سایر متغیرها می‌باشد. تأثیر متغیر مستقل بر مشارکت اجتماعی و مدارای اجتماعی برابر ۳۶.۹ و

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،
abedin_abedizadeh@yahoo.com

** دانشیار و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،
y.mousavi91@alzahra.ac.ir

*** استادیار و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،
mohaddesi2011@gmail.com

**** دانشیار و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،
majidkaffashi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۸

۲۸۸ درصد؛ بر قانون‌گرایی برابر ۸۰۵- درصد و تاثیر متغیر قوم-گرایی بر رفتار شهروندی برابر ۴۸۷ و حزب‌گرایی برابر ۴۴۲ درصد بدست آمده است. در نهایت از طریق آزمون GLM برای بررسی آزمون مقایسه میانگین توسعه‌ی مدنی به تفکیک قوم‌مداری مشخص گردید که افراد مورد مطالعه که از سطح بالای قوم‌مداری برخوردارند به اندازه ۴۳/۷۹ واحد میانگین در مقام قیاس با افراد سطح متوسط قوم‌مداری؛ از توسعه‌ی مدنی بیشتری (بالاتری) برخوردارند.

کلیدواژه‌ها: قوم‌گرایی، توسعه‌ی مدنی، مشارکت اجتماعی، مدارای اجتماعی، قانون‌گرایی، رفتار شهروندی، تمایل به نهاد حزب

۱. مقدمه

یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های افراد و جوامع مختلف؛ چگونگی شیوه‌ی زیست آن‌ها در جامعه با باور و فرهنگ متفاوت با آن‌هاست، این‌که چگونه در جهانی با اندیشه و باورهای متنوع و متفاوت با خود زندگی کنند تا زیستی آرام و مشارکتی و عاری از خشونت داشته باشند. برای چنین زندگی‌ای چه کار باید و چه کار نباید انجام دهند؟

بنیادی‌ترین نیازی که بشر و جوامع بشری از ابتدای پیدایش خود با آن روبه‌رو بوده‌اند، نیاز به بقا در محیطی پیچیده است؛ از قضا انسان برای مواجهه با این پیچیدگی‌ها از نظر زیستی نیز تجهیز نشده و از همین رو نیازمند نهادها و زندگی اجتماعی است (Turner, 2006: 31).

بنابراین جوامع برای مواجهه با پیچیدگی‌های محیطی که با آن در ارتباط است باید به یک توسعه‌یافتگی برسند. به معنای عام آن، توسعه نوعی از دگرگونی اجتماعی است که انسان‌ها برای دستیابی به نیازها و خواست‌های خود در محیط ایجاد می‌کنند. انسان‌ها برای برآورده شدن نیازها و خواست‌های خود به زندگی اجتماعی روی آورده‌اند. چنانچه نیازها و خواست‌های آن‌ها در محیط اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، برآورده نشود، با مسائل اجتماعی گوناگونی در جامعه مواجه می‌شوند. یکی از مباحث مهم در حوزه‌ی جامعه‌شناسی سیاسی، بررسی تأثیر گروه‌های اجتماعی به‌ویژه گروه‌های قومی بر توسعه‌ی مدنی جامعه است. این موضوع که مدیریت سیاسی جامعه در قبال گروه‌های قومی در برنامه‌های توسعه از چه سیاستی پیروی می‌کند و در برنامه‌های توسعه تا چه اندازه‌ای گروه‌های قومی مورد توجه

قرار می‌گیرند، از مسائلی است که در این حوزه دانش به آن پرداخته می‌شود (نوربخش، ۱۳۸۷: ۷۰).

باید گفت ساخت‌های اجتماعی، قومیت‌ها و یا نژادها و یا هر گروه اجتماعی دیگر، به شکل دائم در تعاملات اجتماعی ساخته می‌شوند. در همین زمان نتیجه این ساخت‌وسازهای اجتماعی، ایجاد مرزها و تعاریف خاص در زندگی مردم عادی است. قومیت‌ها نیز بر این اساس؛ دسته‌بندی‌های اجتماعی هستند که ممکن است گروه باشند و یا نباشند. (Anderson، 2017). ممکن است در میان مردم در یک طبقه‌بندی قومیتی که از هویت‌های جمعی و یا کار جمعی حمایت می‌کنند، ارتباطات اجتماعی وجود داشته باشد و یا نداشته باشد. از این مطلب فهمیده می‌شود که طبقه اجتماعی مردم در این دسته‌بندی‌های قومیتی ناپایدار، نامشخص و متغیر است و حتی ممکن است اعتقاد مردم در رابطه با منشأ و تاریخچه این گروه‌ها لزوماً با تحقیقات تاریخی ذهنی تطابق نداشته باشد (الیس، ۲۰۱۷). ایران جزو کشورهایی است که از اقوام گوناگون در ترکیب جمعیتی خود برخوردار است. هویت ملی، وحدت ملی، همگرایی و واگرایی بین اقوام از مسائلی است که حکومت‌ها در کشورهای پلی اتنیک یا کثیرالاقوام با آن مواجه‌اند. تعدد و تنوع قومی، چالش‌هایی را در قالب تهدید یا فرصت برای حکومت مرکزی به ارمغان می‌آورد که متناسب با مبانی نظری با ایدئولوژی غالب با آن مواجه می‌شود (احمدی و الوند، ۱۳۹۱: ۱۶۰).

در پژوهشی که به «بررسی میزان توسعه‌ی انسانی شهرهای ایران پرداخته است؛ هیچ شهری از استان بوشهر در سطح اول توسعه‌یافتگی قرار ندارد» (زنگی‌آبادی و ابوالحسنی، ۱۳۹۱: ۱۱۷). سطح پایین توسعه‌ی مدنی، بسیاری از سازوکارهای توسعه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ضمن اینکه خود نشانه‌ای از آسیب‌ها و مسائل اجتماعی دیگری است که باید مورد بررسی قرار بگیرند. به عنوان نمونه برای توضیح بیشتر، زنگی‌آبادی و ابوالحسنی (۱۳۹۱، ۱۱۷-۱۲۲) در پژوهش خود نشان می‌دهند که

بیش از پنجاه درصد شهرهای استان بوشهر به لحاظ توسعه انسانی در سطح سوم و چهارم توسعه (این پژوهش دارای چهار سطح توسعه و توسعه‌یافته، فرا توسعه، میان توسعه و فرو توسعه بوده است) قرار دارند و هیچ شهری از استان بوشهر در بالاترین سطح توسعه‌یافتگی به لحاظ انسانی قرار ندارد (همان، ۱۳۹۱: ۱۲۲).

با توجه به واقعیت تنوع قومی در این استان، این تحقیق در نظر دارد به بررسی زمینه‌های تأثیرگذاری و شکل تأثیرگذاری قوم‌دوستی، تعلق قومی یا به عبارتی هویت قومی و

قوم‌گرایی بر فرایند توسعه‌ی مدنی در استان بوشهر بپردازد؛ در نتیجه، این پژوهش می‌کوشد تا ضمن بررسی شرایط استان بوشهر به لحاظ توسعه مدنی و شاخص‌های مرتبط با آن و همچنین ارزیابی استان بوشهر به لحاظ قوم‌گرایی، مشخص سازد قوم‌گرایی چه تأثیری بر جریان توسعه‌ی مدنی استان بوشهر تاکنون داشته است. هدف عمده‌ی این مقاله تبیین جامعه‌شناختی تأثیر قوم‌گرایی بر توسعه‌ی مدنی است.

۲. ضرورت تحقیق

کشور ایران از جمله کشورهایی است که دارای فرهنگ و تمدن چند هزار ساله است و از نظر موقعیت جغرافیایی و سیاسی، تحولاتی اساسی در آن صورت گرفته است. در تاریخ ایران، تغییر و تحولات گروه‌های قومی مختلف بر ترکیب جمعیتی، ساختار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اجتماعی جامعه ایران تأثیرگذار بوده است. از این‌رو شناخت و مطالعه ساختار، کارکرد و ماهیت جمعیتی قومی جامعه برای تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای در همه ابعاد توسعه، از اهمیت بسیاری برخوردار است. این پژوهش از آن جهت که به بررسی تأثیر قوم‌گرایی بر ابعاد توسعه‌ی مدنی، می‌پردازد حائز اهمیت و ضرورت است؛ چراکه تاکنون پژوهشی با این مضمون و در این سطح و با این شاخص‌ها در هیچ‌کدام از استان‌های کشور انجام نشده است و یا اگر انجام شده، در سطح مقاله پژوهشی بوده است، از طرفی میزان نیاز جامعه به این نوع تحقیقات نیز بر اهمیت و ضرورت انجام تحقیق می‌افزاید. در نهایت انجام چنین پژوهش‌هایی می‌تواند از حیث نظری نیز حائز اهمیت و اولویت باشد؛ چراکه با توجه به میان‌رشته‌ای بودن این موضوع، ضرورت دارد که با استفاده از یافته‌های علوم مختلف نظیر جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی و مدیریت به بازتعریف این رابطه پرداخته شود که این امر می‌تواند در نهایت به تولید دانش جدید و بومی منجر شود. تحقیق پیش رو از حیث عملی نیز دارای نتایج متعدد دیگری است. امروزه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در کشور به اتفاق از اهمیت و ضرورت توسعه مدنی به لحاظ ساختاری و اجتماعی سخن می‌گویند. انجام این پژوهش می‌تواند به ارائه راهکارهایی ختم شود که در صورت عملیاتی نمودن آن‌ها از طریق تقویت و تأکید بر مقوله توسعه مدنی، موجبات دستیابی به توسعه پایدار در کشور را فراهم سازد. راهکارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهت تقویت توسعه مدنی می‌تواند زمینه‌ساز ظهور توسعه پایدار در کشور گردد که این مهم انجام پژوهش را بیش‌ازپیش ضرورت می‌بخشد.

۳. رویکردهای پشتیبان تحقیق

رویکرد قوم‌گرایی: : قوم‌گرایی، نوعی تلقی فرهنگی است که بر اساس آن اعضای یک قوم ارزش‌ها، هنجارها و شیوه زندگی قوم خود را ارج می‌نهند و در زندگی اجتماعی خود یک نوع احساس قوم‌دوستی و حس تعلق به یک هویت فرهنگی متفاوت در تعامل با گروه‌های قومی دیگر را تجربه می‌کنند، هرچند ممکن است گاهی حس تعلق قومی و قوم‌دوستی منجر به ارتباط سازنده میان فرهنگی و احساس نیاز به تعامل با دیگر قومیت‌ها گردد و گاه باعث درگیری‌های قومی منجر شود. کشمکش‌های قومی به عنوان بخش جدایی ناپذیر زندگی بشر است که ریشه در کمبود منابع و مهمتر از آن در توزیع و اختصاص ناعادلانه آن در بین گروه‌ها (اقلیت‌ها)، و در نتیجه تلاش آنها برای تشکیل گروه‌ها به صورت اقوام، قبایل، ملت‌ها و ... جهت همکاری در درون گروه و رقابت با برون گروه برای دستیابی به این منابع کمیاب دارد. اندیشمندان علوم اجتماعی برای بررسی و مطالعه این رقابت و تضاد درون گروه - برون گروه از اصطلاح مرسوم تحت عنوان قوم‌گرایی بهره می‌گیرند. این اصطلاح به عنوان یک سازه‌ی کاملاً جامعه‌شناختی مطرح می‌شود که برای توصیف تضاد بین گروه‌ها و تبعیض اعضای درون گروه بر علیه اعضای سایر فرهنگ‌ها به کار می‌رود. اولین بار اصطلاح قوم‌گرایی را ویلیام سامنر جامعه‌شناس آمریکایی وارد علوم اجتماعی کرد. او در کتاب رفتارهای سستی توده خود در سال ۱۹۰۶ قوم‌گرایی را چنین تعریف می‌کند: ارزش‌ها و موازین فرهنگ خود را محور قضاوت در مورد دیگران قرار دادن، در این تعریف این منظور بود که فرهنگ خود را برتر از همه‌ی فرهنگ‌های دیگر دانستن. از طرفی وی برای توصیف این دیدگاه که فرهنگ خودی می‌تواند نقش محوری و مرکزی در برابر نقش غیراساسی و کم‌اهمیت سایر فرهنگ‌ها و سنن مذهبی داشته باشد، در تحقیقات علوم اجتماعی مورد استفاده قرار گرفت. (Hooghe, 2008:1) جیمز کلاس نیز تعریف تقریباً مشابهی ارائه می‌دهد. به نظر او قوم‌گرایی عبارتست از: احساس تعلق یک فرد به یک قوم و برتر دیدن خویش، به ویژه زمانی که وی احساس کند حقوق ضایع شده است، و این امر به تلاش وی برای کسب آن چه از دست داده است منجر شود. (Kellas, 2004:3).

قوم‌گرایی یک وضعیت یا حالت روانی است که هم‌زمان دارای نتایج مثبت و منفی می‌باشد. به‌طوری‌که از یک طرف به‌مثابه (نوعی) میهن‌پرستی (قوم‌پرستی) و تمایل به فداکاری یا ایثار برای درون گروه، در خدمت آن بوده و به ساخت و حفظ هویت فرهنگی فرد کمک

می‌کند و از طرف دیگر منجر به سوء تفاهم‌ها و کاهش تمایل به برقراری ارتباط بین فرهنگی با دیگران می‌شود. (لین و رینسر، ۲۰۰۳). در نهایت بری و کالین دو محقق کانادایی که مطالعات فراوانی در مورد قوم‌گرایی انجام داده‌اند، آن را به معنی «عدم پذیرش تنوع قومی، عدم تحمل برون گروه‌ها به‌طور کلی و ترجیح نسبی درون گروه بر برون گروه» می‌دانند و این مفهوم را مترادف با تنفر یا بیزاری عمومی نسبت به تمام برون‌گروه‌ها قلمداد می‌کنند (Berry and Kallin، 195: 303).

رویکرد توسعه‌ی مدنی: توسعه در پژوهش حاضر به عنوان توسعه‌ی مدنی به روابط و رفتارهای انسانی و اجتماعی شهروندان معطوف می‌باشد و بر بعد انسانی توسعه نه بعد اقتصادی آن تأکید دارد. در واقع توسعه به مثابه‌ی وجود و برخورداری جامعه از برخی شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی از جمله مشارکت اجتماعی، رفتار شهروندی یا مدنی، قانون‌گرایی، مشارکت سیاسی، تحزب‌گرایی و مدارای اجتماعی دلالت دارد. توسعه‌ی مدنی، یکی از ضرورت‌های شکل‌گیری مشارکت واقعی در جامعه در حال توسعه و به نوعی هم‌زمینه‌ساز و هم‌برآیند توسعه متوازن در کشور به شمار می‌رود. مفهوم توسعه‌ی مدنی تا قبل از قرن بیستم بیشتر بار فلسفی و سیاسی داشت. لیکن از ابتدای قرن بیستم با پیشرفت جامعه‌شناسی و اقتصاد رفاه به‌عنوان یک فرایند تغییر و تحول در سازمان نظام اجتماعی رونق گرفت. در تعاریف جدید که به صورت راهبردهایی جهت توسعه در خاورمیانه و شمال آفریقا توسط کارشناسان سازمان ملل تدوین گردید، توسعه‌ی مدنی دربرگیرنده بعدی از توسعه است که بر کنش و واکنش‌های انسانی، نهادها و روابط اجتماعی با یکدیگر تأکید می‌ورزد و بر آن‌ها تمرکز می‌نماید. در تعریف دیگر که توسط همان گروه در سال ۲۰۰۳ میلادی آماده گردید توسعه‌ی مدنی به‌عنوان دگرگونی اجتماعی مثبت تلقی شده است (موسایی، ۱۳۸۸: ۱۰۲). در واقع در توسعه‌ی مدنی، دگرگونی و تغییر جامعه در کلیت آن مورد نظر است. نیازهای حیاتی و زیستی، نیازهای فرهنگی و روانی، نیاز در تطبیق‌پذیری و نیاز به رشد و ترقی که در مجموع از عمده‌ترین نیازهای انسان در جامعه جدید است که ماهیت روند توسعه‌ی مدنی را تعیین می‌کنند. لازم به ذکر است که همه نیازهای به‌طور سازگار و یکسان در طراحی استراتژی توسعه مؤثر نمی‌باشند. تأکید بیشتر بر هر یک از آن‌ها به‌منزله نادیده گرفتن یک وجه و سطح از توسعه‌ی مدنی است و توسعه را در یک زمینه خاص سوق می‌دهد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۱۷۵). لازمه توسعه‌ی مدنی وجود جامعه‌ی مدنی پویاست که بتواند روابط متقابل شهروندان و دولت را به گونه‌ای

تعدیل نماید. از تعاریف مطرح در حیطه توسعه‌ی مدنی نظریاتی است که اندیشمندان رفاه-گرا بیان کرده‌اند. آن‌ها مفهوم توسعه‌ی مدنی را حرکت به سوی کیفیت بهتر زندگی می‌دانند. به‌عنوان مثال از نظر وارنر «Warner» توسعه‌ی مدنی عبارت است از امکانات زندگی مردم در جامعه. در دیدگاه مارکسیستی نیز بر ارزش‌های مبتنی بر برابری اجتماعی تأکید می‌شود. همچنین از نظر دانگ‌کیم «Dong Kim» توسعه‌ی مدنی درجه‌ای از ساختار اجتماعی است که به اکثریت محروم جامعه نه تنها اجازه تقاضا برای برخورداری از سهم خود از منابع ملی را می‌دهد، بلکه در رسیدن به آن هدف آن‌ها را یاری می‌کند. «پایوا» افزایش ظرفیت و توانی مردم برای فعالیت مداوم در جهت تأمین رفاه خود و جامعه و توسعه تحول نهادهای اجتماعی در جهت رفع نیازهای مردم در تمام سطوح به‌خصوص سطوح پایین را دو بعد اصلی توسعه‌ی مدنی می‌داند. بدان گونه که در این فرایند روابط بین مردم و نهادهای اجتماعی و اقتصادی ابزارهای تأمین نیازهای اجتماعی را فراهم کرده و از طریق تغییر نهادهای اجتماعی و استفاده از منابع موجود در جامعه تعادل بین نیازهای کمی و کیفی جامعه پدید می‌آید؛ بنابراین از نظر او ارتباط نزدیکی بین توسعه‌ی مدنی و عدالت اجتماعی وجود دارد و هدف نهایی توسعه‌ی مدنی دستیابی جامعه‌ای انسانی‌تر از طریق نهادها و سازمان‌هایی است که بهتر مناسب پاسخگوی نیازهای مردم باشد (کلانتري، ۱۳۷۷: ۱۱۰).

از یک سوی، از عناصر تشکل‌دهنده جامعه توسعه‌یافته به‌لحاظ مدنی، مشارکت اجتماعی و سیاسی است که خود با وجود احزاب فراگیر و آزاد در ارتباط است. بر این اساس است که در جامعه‌ای که در شرایطی مطلوبی از توسعه‌ی مدنی قرار دارد باید مردم به طور مستقیم یا از طریق احزاب و انجمن‌های مردمی و غیردولتی در فرایندهای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی نسبت به مسائل مهمی همچون امور سیاسی، مسائل اجتماعی و غیره مشارکت نمایند. در این پژوهش، توسعه‌ی مدنی بر پنج بعد اساسی تمرکز کرده است که هر یک به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از تعاریف گوناگونی که ارائه می‌شود قابل استنتاج هستند. این ابعاد عبارتند از ۱. مشارکت اجتماعی، ۲. رفتار شهروندی، ۳. قانون‌گرایی، ۴. حزب‌گرایی، ۵. مدارای اجتماعی.

۴. مؤلفه‌های اساسی توسعه مدنی

مشارکت اجتماعی: مشارکت مردم در تمامی فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، امری است که امروزه در تمامی جوامع پذیرفته شده است و روز به روز نیز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. این اهمیت اصولاً از آن جا ناشی می‌شود که اولاً مشارکت یک امر اجتماعی است که به لحاظ غایت به آزادسازی و اعتماد انسان‌ها به خویش‌ن منجر می‌شود و ثانیاً از نظر ابزاری و در کلیت آن، به بسیج و نقش‌آفرینی توده‌های انسانی در فرایند عملی حیات اجتماعی و حرکت رو به جلوی جامعه منجر می‌گردد؛ گفته می‌شود: «مشارکت عمومی، مؤلفه بنیادین امر برنامه‌ریزی خوب است. یک طرح جامع و فراگیر، طرحی است که با مردم انجام شده باشد نه برای مردم». (Zimmerman, B.J., 1996: 1)

در فرایند توسعه مدنی، مشارکت آحاد جامعه در نظر است و شهروندان فارغ از هر گونه تعلق قومی امکان اثرگذاری در تمام شئون اجتماعی باتوجه به صلاحیت تخصصی آن‌ها برایشان فراهم است مشارکت همه‌جانبه یکی از پیش‌فرض‌های توسعه و شکل‌گیری جامعه مدنی یا به عبارتی مشارکت در مسائل اجتماعی که مفهوم مرکزی توسعه مدنی را تشکیل داده است. انسان‌ها باید به‌عنوان آفرینش‌گران فعال در فرایند تکوین توسعه مشارکت داشته باشند. توسعه واقعی باید حاصل رفتارهای خلاق عاملین انسانی توسعه باشد. توسعه مدنی بیش از مشارکت فردی بر مشارکت جمعی مردم تأکید دارد و در این صورت جمعیت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مردمی، شرکت‌کنندگان اصلی در فرایند توسعه می‌باشند (UNDP، 2011). توسعه احزاب و نهادهای مدنی یکی از زمینه‌های شکل‌گیری مشارکت مردم و همراهی آن‌ها با جامعه است و خلأ این نهادها موجب ناآگاهی و بی‌تفاوتی بیشتر مردم نسبت به جامعه و سرنوشت خود می‌شود.

احزاب مدنی: امروزه با توجه به تنوع و گسترش فعالیت‌های اجتماعی، نقش احزاب و سازمان‌های جامعه مدنی به عنوان میانجیگر بین شهروندان و دولت از اهمیت بالایی برخوردار است، نهادهای احزاب ساختارمند یکی از مولفه‌های بسیار مهم توسعه مدنی محسوب می‌شود اما واقعیت این است که احزاب به ویژه احزاب سیاسی به‌عنوان نهادهای سیاسی مدنی میان دولت و مردم در ایران از نظر کمی رشد یافته‌اند ولی در معنای واقعی، به‌صورت شبه‌حزبی عمل می‌کنند، فرهنگ مشارکت و حزب در جامعه توسعه یافته در سایه تضارب آراء، افکار و اندیشه‌ها ارتقاء می‌یابد که این مهم از طریق کانالیزه کردن و تعامل همه‌ی افکار و باورها در راستای تامین مولفه‌های بنیادی توسعه مدنی در بستر

جامعه‌ی مدنی سامان می‌یابد؛ بدون شک مشارکت همه آحاد شهروندان زمانی معنا پیدا می‌کند که که نهادهای اجتماعی - سیاسی نسبت به مسائل جامعه خود احساس مسئولیت نمایند. در مجموع، همان طور که ملاحظه شد، احزاب گونه‌های جدید از بسترهای مشارکت در جامعه‌ی مدنی را فراهم می‌کنند و مخصوصاً مشارکت سیاسی معتبر و تاثیر- گذار شهروندان را تضمین می‌نمایند.

شهروندی: حقوق شهروندی به ماهیت مشارکت اجتماعی افراد در جامعه مربوط است و شهروندی موقعیتی است که به افراد توان شناخته شدن و حضور در اجتماع را می‌دهد؛ "اساساً عضویت افراد در جوامع دموکراتیک مدرن، با موقعیت شهروندی آن‌ها نشان داده می‌شود. افرادی که به یک دولت - ملت خاص تعلق دارند، دارای اسناد و مدارکی هستند که عضویت آنها را در آن دولت - ملت تأیید می‌کند. این مدارک، به طور کلی شاهد گواهی تولد یا کسب تابعیت و کارت شناسایی یا گذرنامه می‌شود. از همه مهمتر این است که شهروندان، دارای مجموعه‌ی گسترده‌ای از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی هستند. این حقوق، در مقابل با مجموعه‌ای از تعهدات در قبال جامعه و دولت متوازن می‌شوند (کاستلز؛ دیویدسون، ۱۳۸۲:۲۳). افراد یک جامعه زمانی شهروند محسوب می‌شوند که قطع نظر از قومیت، نژاد، باور و اعتقاداتی که دارند در جامعه دربردارنده‌ی حقوقی برابر با بقیه افراد آن جامعه باشند. در آن صورت است که می‌توانند در جامعه به ایفای نقش شهروندی مطلوب خود پردازند. بنابراین می‌توان گفت: شهروندی دربردارنده‌ی مجموعه حقوق و تکالیفی است که اعضای جامعه نسبت به یکدیگر، نهادها و جامعه دارند به‌طوری‌که این حقوق موجب می‌شود که افراد نسبت به همدیگر یک نوع تعلق اجتماعی در راستای مشارکت مدنی در خود احساس نمایند.

بنابراین، حقوق شهروندی مبنای عالی برای اداره‌ی امور انسان به شمار می‌رود و زندگی آن‌ها که از پیش به‌وسیله نژاد، مذهب، طبقه، جنسیت یا صرفاً یکی از هویت‌شان تعیین می‌شد به‌وسیله‌ی شهروندی تعیین می‌شود، چراکه شهروندی بیش از هر هویت دیگری قادر است انگیزه‌ی سیاسی اساسی انسان‌ها که هگل آن را «نیاز به رسمیت شناخته شدن» می‌نامد، ارضا نماید (Williams, 1997: 68).

جامعه‌ی بدون زندگی شهروندی جامعه‌ای است که افراد در آن هویت و موجودیت فردی خود را گم کرده و به سختی می‌توانند گفتگویی سازنده و مؤثر با جامعه‌ی خود

داشته باشند؛ لذا توسعه‌ی مدنی زمانی معنا و مفهوم پیدا می‌کند که از درون جامعه‌ی مدنی شهروندگرا بیرون بیاید.

قانون و قانون‌مندی: بسیاری از اهداف اجتماعی متضمن رعایت قانون است. قانون مندی به معنای قاعده‌مند بودن رفتارهای انسانی در قالب هنجارهای تدوین شده و موردپذیرش اکثریت افراد جامعه است که منجر به قوام و دوام جامعه است.

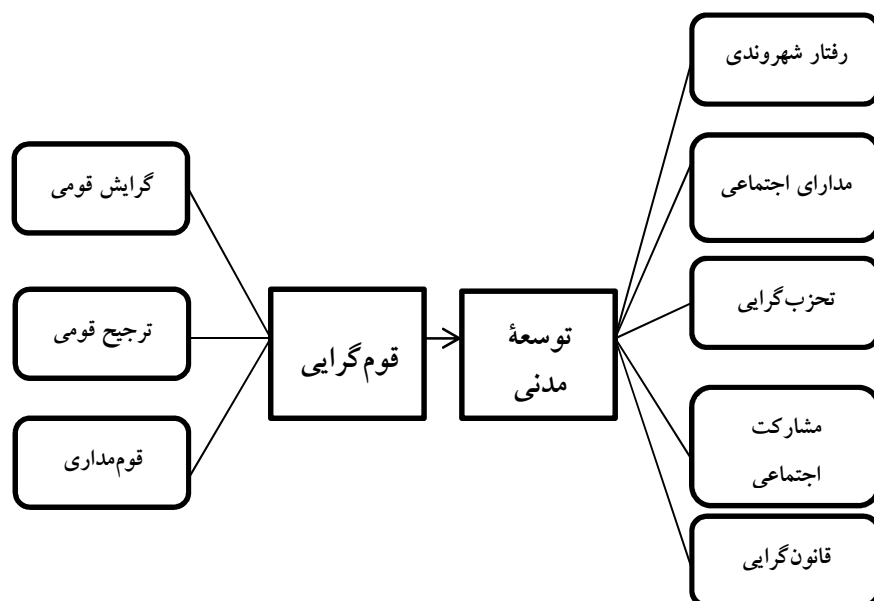
مهم‌ترین کارکرد قانون، تنظیم روابط میان دولت و شهروندان از سویی و شهروندان با هم از سوی دیگر است. قانون، تعیین معیارها و ضوابط ثابتی است که برای همگان ایجاد حق و تکلیف می‌کند و افراد جامعه بر اساس آن، روابط خود را تنظیم می‌کنند و به این ترتیب هر کس از حقوق خویش آگاه می‌شود. (یگانه، ۱۳۹۴: ۹).

لذا افرادی که منافع شهروندی خود را در یک جامعه‌ی توسعه یافته به لحاظ مدنی از طریق رعایت قانون و قانون‌مندی دنبال می‌کنند از رواداری بیشتری نسبت به کسانی که برای رسیدن به منافع شخصی خود را از هر طریقی اقدام می‌کنند برخوردارند.

مدارای اجتماعی: انسان‌ها همواره به دنبال راهی برای زندگی در آرامش و دوری از خشونت هستند؛ در واقع، موضوع همزیستی بشر در طول تاریخ وجود داشته و با گذشت زمان اهمیت آن برای انسان‌ها آشکارتر شده است. مدارا شکلی از خودداری (خودکنترلی) است و به معنای به رسمیت شناختن دیگری است. گیسون، مدارا را درجه‌ای از میل به توسعه‌ی حقوق شهروندی برای کسانی می‌داند که ایده‌هایشان تا حدی با جریان اصلی تفکر سیاسی در یک کشور متفاوت است؛ لذا مفهوم محوری دیگری که در توسعه‌ی مدنی بسیار پر رنگ است، مفهوم رواداری است.

از آنجاکه برقراری ارتباط با دیگران از نیازهای ذاتی و فطری انسان‌هاست و از آنجاکه انسان‌ها به لحاظ زبانی، قومی، نژادی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دارای تفاوت‌های عمیقی هستند، تنها راه برقراری ارتباط سالم و فارغ از ستیزه‌جویی، وجود مدارای اجتماعی بین ایشان است. همزیستی موضوعی است که همیشه و در طول تاریخ وجود داشته و انسان‌ها همواره در پی آن بوده‌اند که راه‌ها و شیوه‌های زندگی مسالمت‌آمیز را در کنار یکدیگر بیابند. در جوامع گذشته، تنوع فرهنگ‌ها، زبان و اقوام و همچنین دیگر عناصر زندگی اجتماعی کمتر بود و تحمل تفاوت‌ها و عقاید یکدیگر مسئله مهمی به حساب نمی‌آمد؛ اما با رشد و گسترش فزاینده ارتباطات در همه زمینه‌ها، از سویی تنوع فرهنگی، قومی، زبانی و اعتقادی بیشتر شده و از سوی دیگر، میزان تعاملات و برخورد

افراد دوچندان شده است. بنابراین، تحمل عقاید و آداب و فرهنگ گروه‌های دیگر اهمیت فراوانی خواهد یافت. درواقع، باید گفت امروزه این تنوع تا حدی است که بدون داشتن حداقلی از مدارای اجتماعی و تحمل عقاید متفاوت و مخالف، زندگی کردن در وضعیت عادی غیرممکن خواهد شد (ادیبی سده و همکاران، ۱۳۹۲).



مدل مفهومی تحقیق

۵. فرضیه‌های تحقیق

- به نظر می‌رسد قوم‌گرایی بر میزان مشارکت اجتماعی شهروندان تأثیر دارد.
- به نظر می‌رسد قوم‌گرایی بر شکل‌گیری رفتار شهروندی یا مدنی تأثیر دارد.
- به نظر می‌رسد قوم‌گرایی بر میزان قانون‌گرایی شهروندان تأثیر دارد.
- به نظر می‌رسد قوم‌گرایی بر میزان تمایل به تحزب‌گرایی شهروندان تأثیر دارد.
- به نظر می‌رسد قوم‌گرایی بر میزان مدارای اجتماعی شهروندان تأثیر دارد.

۶. روش تحقیق (جامعه آماری و نمونه‌گیری و روش جمع‌آوری اطلاعات)

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و شیوه انجام تحقیق از نوع مطالعه پیمایشی (توصیفی-تحلیلی) است. در این پژوهش از روش پیمایشی استفاده شده است. و در این تحقیق جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش از لحاظ جمعیت مورد مطالعه شامل کلیه شهروندان استان بوشهر می‌باشد. حجم جامعه آماری مطابق با سرشماری سال ۱۳۹۵؛ ۱۱۶۳۴۰۰ نفر بوده است. به منظور نمونه‌گیری پانزده شهر استان بوشهر برحسب سکنی‌گزینی اکثریت از حیث قومی نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شده است. با توجه به اینکه جمعیت مورد مطالعه‌ی این تحقیق در محدوده وسیعی پراکنده بودند، افراد نمونه به صورت تصادفی به روش مذکور جهت نمونه انتخاب شده‌اند. هم‌چنین با استفاده از فرمول کوکران تعداد افراد نمونه ۳۸۴ نفر برآورد گردید؛ از آن‌جاکه آلفای کرونباخ شاخص مناسبی برای سنجش قابلیت اعتماد برای ابزار اندازه‌گیری و هماهنگی درونی میان عناصر آن است، قابلیت اعتماد پرسشنامه‌ی محقق ساخته مورد استفاده در این تحقیق به کمک آلفای کرونباخ ارزیابی قرار گرفت. نتایج در جدول شماره ۱ نشان داده می‌شود.

جدول شماره ۱: مقادیر آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

شماره	شاخص / مقیاس	پرسشنامه‌ی نهائی	
		تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
۱	قوم‌گرایی	۲۴	۰.۷۱۰
۲	توسعه‌ی مدنی	۴۶	۰.۸۵۵
۳	مدارای اجتماعی	۱۲	۰.۷۱۱
۴	مشارکت اجتماعی	۸	۰.۸۲۰
۶	قانون‌گرایی	۹	۰.۶۹۸
۷	رفتار شهروندی	۹	۰.۸۶۰
۸	تحزب‌گرایی	۸	۰.۷۹۴

۷. تعریف نظری متغیر مستقل؛ قوم‌گرایی

تعریف نظری: قوم‌گرایی، نوعی تلقی فرهنگی است که بر اساس آن اعضای یک قوم ارزش‌ها، هنجارها و شیوه زندگی قوم خود را برتر از دیگر اقوام می‌دانند و بر اساس دیدگاه‌های قالبی درباره دیگر اقوام قضاوت می‌کند (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

تعریف عملیاتی: قوم‌گرایی در تحقیق حاضر در سه بعد (۱) گرایش قومی، (۲) ترجیح قومی و (۳) قوم‌مداری مورد سنجش قرار گرفته است. گرایش قومی شامل پذیرش قومیت، آداب‌ورسوم و فرهنگ قومی بدون تفوق می‌باشد. ترجیح قومی نیز شامل اولویت دادن قومیت، آداب‌ورسوم و فرهنگ و زبان قومی بر ملی و جهانی می‌باشد. در نهایت، قوم-مداری نیز شامل برتری‌گزینی قومی، آداب‌ورسوم و فرهنگ و زبان قومی بر ملی و جهانی می‌باشد.

جدول شماره ۲: جدول عملیاتی شاخص و ابعاد مقیاس قوم‌گرایی در پرسشنامه

شاخص	ابعاد	مؤلفه
قوم‌گرایی	گرایش قومی	پذیرش قومیت، آداب‌ورسوم و فرهنگ قومی بدون تفوق
	ترجیح قومی	اولویت قومیت، آداب‌ورسوم و فرهنگ و زبان قومی بر ملی و جهانی
	قوم‌مداری	برتری‌گزینی قومی، آداب‌ورسوم و فرهنگ و زبان قومی بر ملی و جهانی.

۸. تعریف نظری متغیر وابسته

توسعه‌ی مدنی: اشکال متفاوت کنش متقابلی است که در یک جامعه خاص همراه با توسعه رخ می‌دهد. توسعه‌ی مدنی، توسعه‌ی اجتماعی و فرهنگی جنبه‌های مکمل و پیوسته یک پدیده‌اند و هرکدام الزاماً به ایجاد تمایز فزاینده جامعه منجر می‌شوند. پس توسعه‌ی مدنی در پی ایجاد بهبود در وضعیت اجتماعی افراد یک جامعه است که برای تحقق چنین بهبودی در پی تغییر در الگوهای دست و پاگیر و زائد رفتاری، شناختن و روی آوردن به یک نگرش، آرمان و اعتقاد مطلوب‌تری است که بتواند پاسخگوی مشکلات اجتماعی باشد.

تعریف عملیاتی: متغیر توسعه‌ی مدنی در پنج بُعد به شرح جدول ۳ عملیاتی شده و سنجیده می‌شود. مدارای اجتماعی دارای ابعاد مدارای سیاسی، مدارای عقیدتی، مدارای

رفتاری و مدارای هویتی است. قانون‌گرایی دارای سه بُعد است که عبارت‌اند از پذیرش شمول و عمومیت قانون، التزام به رعایت قانون، رعایت پیشگیرانه قانون. رفتار شهروندی نیز ابعادی چهارگانه دارد از قبیل نوع دوستی، وظیفه‌شناسی، فضیلت مدنی، احترام و تکریم. شاخص مشارکت سیاسی نیز سه بُعد دارد؛ کنش سیاسی، آگاهی سیاسی و گرایش سیاسی. شاخص مشارکت اجتماعی نیز ابعاد سه‌گانه‌ای دارد؛ روحیه مشارکت‌جویی، مشارکت ذهنی و مشارکت عینی. در نهایت، تحزب‌گرایی دارای دو بُعد گرایش به عضویت و گرایش به پیروی می‌باشد.

جدول شماره ۳: جدول عملیاتی شاخص‌ها و ابعاد توسعه‌ی مدنی در پرسشنامه

شاخص‌های توسعه‌ی مدنی	ابعاد شاخص
مدارای اجتماعی	مدارای سیاسی
	مدارای عقیدتی
	مدارای رفتاری
	مدارای هویتی
قانون‌گرایی	پذیرش شمول و عمومیت قانون
	التزام به رعایت قانون
	رعایت پیشگیرانه‌ی قانون
رفتار شهروندی	نوع‌دوستی
	وظیفه‌شناسی
	فضیلت مدنی
	احترام و تکریم
مشارکت اجتماعی	روحیه‌ی مشارکت‌جویی
	مشارکت ذهنی
	مشارکت عینی
تحزب‌گرایی	گرایش به عضویت
	گرایش به پیروی

۹. یافته‌های پژوهشی

- بررسی نرمال بودن متغیرهای تحقیق:

جدول ۴ آزمون نرمال بودن

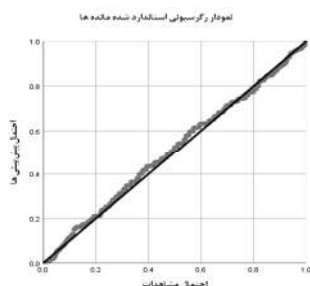
ردیف	متغیر	تعداد	آماره آزمون	سطح معناداری
۱	قوم‌گرایی	۳۸۲	۰.۰۳۹	۰.۱۹۹
۳	مشارکت اجتماعی	۳۸۲	۰.۰۸۲	۰.۱۸۸
۴	مدارای اجتماعی	۳۸۲	۰.۰۹۳	۰.۱۹۴
۵	قانون‌گرایی	۳۸۲	۰.۰۸۶	۰.۲۰۰
۶	رفتار شهروندی	۳۸۲	۰.۰۴۳	۰.۱۹۹
۷	تحزب‌گرایی	۳۸۲	۰.۰۷۵	۰.۲۰۰

با توجه به اینکه برای همه متغیرها سطح معناداری از ۰.۰۵ بزرگتر شده، می‌توان گفت تمام متغیرها با اطمینان ۹۵ درصد از توزیع نرمال پیروی می‌کنند. بنابراین نتیجه می‌گیریم توزیع نمونه مناسب بوده و نمونه‌گیری به شکل صحیح انجام شده است. همچنین می‌توان از روش‌های پارامتریک جهت آزمودن فرضیه‌های مربوط به متغیرهای پژوهش استفاده نمود.

- فرضیه فرعی اول:

به نظر می‌رسد قوم‌گرایی بر مشارکت اجتماعی شهروندان تأثیر دارد.

با توجه به اینکه در این قسمت هدف بررسی تأثیر متغیر مستقل (قوم‌گرایی) بر متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی شهروندان) مدنظر ما می‌باشد، بنابراین برای این مورد از رگرسیون خطی ساده استفاده می‌کنیم. ابتدا به بررسی شروط اجرای رگرسیون می‌پردازیم تا از برقرار بودن این شروط مطمئن شویم.



نمودار ۱ نرمال بودن مانده ها برای قسمت اصلی فرضیه فرعی اول

در نمودار ۱ با توجه به اینکه حباب‌ها تقریباً به خط واصل چسبیده‌اند، فرض نرمال بودن خطاها در مدل فعلی، تأیید می‌شود.



نمودار ۲ ثابت بودن واریانس خطاها برای قسمت اصلی فرضیه فرعی اول

نمودار ۲ دو شرط مهم را بررسی می کند: اول معنادار بودن مدل خطی و دوم ثابت بودن واریانس خطاها. با توجه به اینکه حباب‌ها الگوی نظام مندی (شکل قیفی) به خود نگرفته اند، بنابراین هر دو فرض ثابت بودن واریانس خطاها و معنادار بودن مدل خطی پذیرفته می شود.

جدول ۵ دوربین-واتسون فرضیه فرعی اول

شاخص	دوربین-واتسون
مدل خطی	۱.۹۴۰

با توجه به جدول ۵ از آنجا که مقدار آماره دوربین-واتسون برابر ۱.۹۴۰ و بین (۱.۵- ۲.۵) است، بنابراین فرض ناهمبسته بودن خطاها پذیرفته می شود. حال به نتایج رگرسیون می پردازیم:

جدول ۶ تحلیل مدل فرضیه فرعی اول

مدل	مجموع توان دوم داده ها	درجه آزادی	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۵۰۹۳.۶۱۵	۱	۱۷۰.۰۹۹	۰.۰۰۰
مانده ها	۱۱۳۷۹.۰۷۶	۳۸۰		
کل	۱۶۴۷۲.۶۹۱	۳۸۱		

با توجه به اینکه در جدول ۶ سطح معناداری کوچکتر از ۰.۰۵ شده و ۱۷۰.۰۹۹ $F(۱ و ۳۸۰) =$ شده است، بنابراین فرض معنادار بودن مدل خطی تایید می شود.

جدول ۷ خلاصه مدل فرضیه فرعی اول

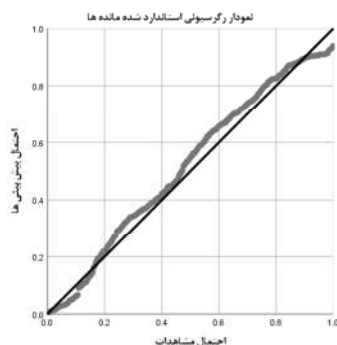
شاخص‌ها	سطح معناداری	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
مدل	۰.۰۰۰	۰.۵۵۶	۰.۳۰۹	۰.۳۰۷

در جدول ۷ با توجه به اینکه سطح معناداری از ۰.۰۵ کوچکتر شده است، نتیجه می‌گیریم مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر «قوم‌گرایی» و «مشارکت اجتماعی شهروندان استان بوشهر» معنادار است. از طرفی مقدار ضریب همبستگی ۰.۵۵۶ شده، بیانگر این موضوع است که نوع رابطه بین دو متغیر مستقیم و متوسط است. به عبارت دیگر اگر قوم‌گرایی افزایش پیدا کند، میزان مشارکت اجتماعی شهروندان نیز به شکل متوسط افزایش پیدا خواهد کرد.

همچنین ضریب تعیین برابر ۰.۳۰۹ شده است. بنابراین میزان تأثیر متغیر «قوم‌گرایی» بر متغیر «مشارکت اجتماعی شهروندان استان بوشهر» به میزان ۳۰.۹ درصد می‌باشد. باتوجه به نتایج به دست آمده از اجرای رگرسیون می‌توان نتیجه گرفت رابطه بین دو متغیر «قوم‌گرایی» و «مشارکت اجتماعی شهروندان استان بوشهر» معنادار، متوسط و مستقیم است. براساس یافته‌های پژوهش، تأثیر «قوم‌گرایی» بر روی «مشارکت اجتماعی شهروندان» مثبت است؛ به گونه‌ای که قومیت می‌تواند تقاضای افراد را برای سهمیم شدن در اقدام جمعی به طرق متعددی افزایش دهد. به عبارتی می‌توان گفت؛ همبستگی قومی باعث یک نوع خودانگیختگی آگاهانه و هدفمند جهت تسریع و تسهیل امور جامعه می‌شود. از طرفی با توجه به تغییر الگوها در بین جوامع و خودآگاهی اقوام از مطالبات و خواسته‌های خود به دلیل میل به سهمیم شدن در تصمیم‌گیری‌ها و ترویج فرهنگ مشارکتی در اقوام که به تبع آن شهروندان بوشهری از این تأثیر بهره‌مند شده و مشارکت اجتماعی را افزایش داده‌اند.

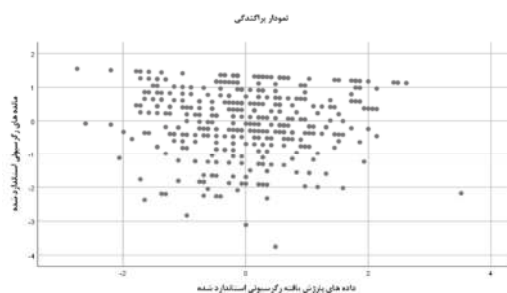
- فرضیه فرعی دوم:

به نظر می‌رسد قوم‌گرایی بر شکل‌گیری رفتار شهروندی یا مدنی شهروندان تأثیر دارد.



نمودار ۳ نرمال بودن مانده ها برای قسمت اصلی فرضیه فرعی دوم

در نمودار ۳ با توجه به اینکه حباب ها تقریباً به خط واصل چسبیده اند، فرض نرمال بودن خطاها در مدل فعلی، تایید می شود.



نمودار ۴ ثابت بودن واریانس خطاها برای قسمت اصلی فرضیه فرعی دوم

نمودار ۴ دو شرط مهم را بررسی می کند: اول معنادار بودن مدل خطی و دوم ثابت بودن واریانس خطاها. با توجه به اینکه حباب ها الگوی نظام مندی (شکل قیفی) به خود نگرفته اند، بنابراین هر دو فرض ثابت بودن واریانس خطاها و معنادار بودن مدل خطی پذیرفته می شود.

جدول ۸ دوربین-واتسون فرضیه فرعی دوم

شاخص	دوربین-واتسون
مدل خطی	۱.۶۰۲

با توجه به جدول ۸ از آنجا که مقدار آماره دوربین-واتسون برابر ۱.۹۴۰ و بین (۱.۵- (۲.۵) است، بنابراین فرض ناهمبسته بودن خطاها پذیرفته می‌شود. حال به نتایج رگرسیون می‌پردازیم:

جدول ۹ تحلیل مدل فرضیه فرعی دوم

مدل	مجموع توان دوم داده‌ها	درجه آزادی	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۵۸.۶۶۵	۱	۲.۳۸۶	۰.۱۲۳
مانده‌ها	۹۳۳۹.۶۳۸	۳۸۰		
کل	۹۳۹۸.۲۹۳	۳۸۱		

با توجه به اینکه در جدول ۹ سطح معناداری بزرگتر از ۰.۰۵ شده و ۲.۳۸۶ $F(۱ و ۳۸۰)$ شده است، بنابراین فرض معنادار بودن مدل خطی تایید می‌شود.

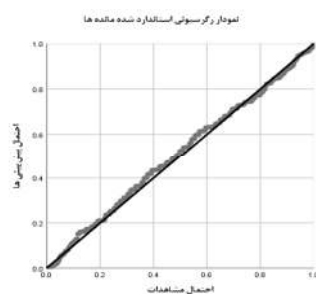
جدول ۱۰ خلاصه مدل فرضیه فرعی دوم

شاخص‌ها	سطح معناداری	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
مدل	۰.۰۶۲	۰.۰۷۹	۰.۰۰۶	۰.۰۰۴

در جدول ۱۰ با توجه به اینکه سطح معناداری از ۰.۰۵ بزرگتر شده است، نتیجه می‌گیریم مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر «قوم‌گرایی» و «شکل‌گیری رفتار شهروندی یا مدنی شهروندان استان بوشهر» معنادار نیست، در نتیجه با توجه به نتایج به دست آمده از اجرای رگرسیون می‌توان نتیجه گرفت متغیر «قوم‌گرایی» بر «شکل‌گیری رفتار شهروندی یا مدنی شهروندان استان بوشهر» تأثیری ندارد. بنابراین داده‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند با بالا رفتن میزان قوم‌گرایی از محدوده نظام خویشاوندی به حوزه‌های بسیط‌تر در مقیاسهای فرامحلی در قلمروهای روستایی، شهری و ملی و افزایش آن، بر شکل‌گیری رفتار شهروندی یا مدنی تأثیری ندارد. استان بوشهر یک استان تاریخی و مهاجرپذیر است که در یک موقعیت استراتژیک قرار دارد و همواره با فرهنگ‌های مختلف در ارتباط بوده است. در تفسیر این نتیجه می‌توان گفت قوم‌گرایی تحت تأثیر فرآیندهای تبعیض حساس‌تر می‌شود در نتیجه ممکن است این مسئله به رفتار شهروندی غیرمدنی منجر شود، در غیر اینصورت رفتار شهروندی بهنجار خواهد بود. قوم‌گرایی زمانی برجسته می‌شود که تبعیض وجود داشته باشد لذا قوم‌گرایی مانع رفتار شهروندی نمی‌شود.

- فرضیه فرعی سوم:

به نظر می‌رسد قوم‌گرایی بر قانون گرایی شهروندان تأثیر دارد. ابتدا به بررسی شروط اجرای رگرسیون می‌پردازیم تا از برقرار بودن این شروط مطمئن شویم.



نمودار ۵ نرمال بودن مانده‌ها برای قسمت اصلی فرضیه فرعی سوم

در نمودار ۵ با توجه به اینکه حباب‌ها تقریباً به خط واصل چسبیده‌اند، فرض نرمال بودن خطاها در مدل فعلی، تایید می‌شود.



نمودار ۶ ثابت بودن واریانس خطاها برای قسمت اصلی فرضیه فرعی سوم

نمودار ۶ دو شرط مهم را بررسی می‌کند: اول معنادار بودن مدل خطی و دوم ثابت بودن واریانس خطاها. با توجه به اینکه حباب‌ها الگوی نظام‌مندی (شکل قیفی) به خود نگرفته‌اند، بنابراین هر دو فرض ثابت بودن واریانس خطاها و معنادار بودن مدل خطی پذیرفته می‌شود.

جدول ۱۱ دوربین-واتسون فرضیه فرعی سوم

شاخص	دوربین-واتسون
مدل خطی	۱.۹۲۴

با توجه به جدول ۱۱ از آنجا که مقدار آماره دوربین-واتسون برابر ۱.۹۲۴ و بین (۱.۵- ۲.۵) است، بنابراین فرض ناهمبسته بودن خطاها پذیرفته می‌شود. حال به نتایج رگرسیون می‌پردازیم:

جدول ۱۲ تحلیل مدل فرضیه فرعی سوم

مدل	مجموع توان دوم داده‌ها	درجه آزادی	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۱۱۲۰.۱۵۵	۱	۳۵.۴۹۸	۰.۰۰۰
مانده‌ها	۱۱۹۹۱.۰۱۸	۳۸۰		
کل	۱۳۱۱۱.۱۷۳	۳۸۱		

با توجه به اینکه در جدول ۱۲ سطح معناداری کوچکتر از ۰.۰۵ شده و ۳۵.۴۹۸ $F(۱ و ۳۸۰)$ شده است، بنابراین فرض معنادار بودن مدل خطی تایید می‌شود.

جدول ۱۳ خلاصه مدل فرضیه فرعی سوم

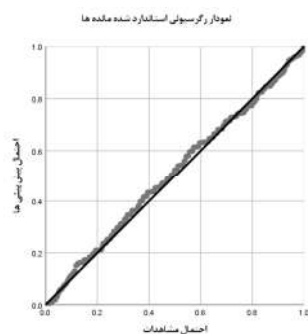
شاخص‌ها	سطح معناداری	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
مدل	۰.۰۰۰	۰.۲۹۲	-۰.۰۸۵	۰.۰۸۳

در جدول ۱۳ با توجه به اینکه سطح معناداری از ۰.۰۵ کوچکتر شده است، نتیجه می‌گیریم مقدار ضریب همبستگی بین دوم متغیر «قوم‌گرایی» و «قانون‌گرایی» شهروندان استان بوشهر» معنادار است. از طرفی مقدار ضریب همبستگی ۰.۲۹۲ شده، بیانگر این موضوع است که نوع رابطه بین دو متغیر مستقیم و متوسط است.

همچنین ضریب تعیین برابر -۰.۰۸۵ شده است. با توجه به نتایج به دست آمده از اجرای رگرسیون می‌توان نتیجه گرفت رابطه بین دو متغیر «قوم‌گرایی» و «قانون‌گرایی» شهروندان استان بوشهر» معنادار، متوسط و معکوس و به میزان ۸.۵ درصد در جهت منفی می‌باشد؛ با توجه به جوامعی که از لحاظ جامعه‌شناسی، جامعه‌ی قومی نامیده می‌شوند می‌توان گفت افرادی که هویت قومی بالایی دارند، ممکن است نسبت به قوانینی که مطابق ساختارهای عرفی قوم خود نباشد واکنش نشان دهد.

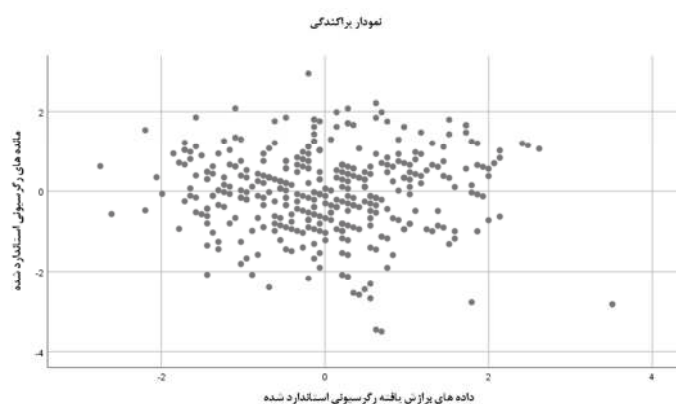
- فرضیه فرعی چهارم:

به نظر می‌رسد قوم‌گرایی بر تحزب‌گرایی شهروندان تأثیر دارد. ابتدا به بررسی شروط اجرای رگرسیون می‌پردازیم تا از برقرار بودن این شروط مطمئن شویم.



نمودار ۷ نرمال بودن مانده‌ها برای قسمت اصلی فرضیه فرعی پنجم

در نمودار ۷ با توجه به اینکه حباب‌ها تقریباً به خط واصل چسبیده‌اند، فرض نرمال بودن خطاها در مدل فعلی، تایید می‌شود.



نمودار ۸ ثابت بودن واریانس خطاها برای قسمت اصلی فرضیه فرعی پنجم

نمودار ۸ دو شرط مهم را بررسی می‌کند: اول معنادار بودن مدل خطی و دوم ثابت بودن واریانس خطاها. با توجه به اینکه حباب‌ها الگوی نظام‌مندی (شکل قیفی) به خود نگرفته‌اند، بنابراین هر دو فرض ثابت بودن واریانس خطاها و معنادار بودن مدل خطی پذیرفته می‌شود.

جدول ۱۴ دوربین-واتسون فرضیه فرعی پنجم

شاخص	دوربین-واتسون
مدل خطی	۱.۹۴۰

با توجه به جدول ۱۴ از آنجا که مقدار آماره دوربین-واتسون برابر ۱.۹۴۰ و بین (۱.۵- (۲.۵) است، بنابراین فرض ناهمبسته بودن خطاها پذیرفته می‌شود. حال به نتایج رگرسیون می‌پردازیم:

جدول ۱۵ تحلیل مدل فرضیه فرعی پنجم

مدل	مجموع توان دوم داده‌ها	درجه آزادی	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۵۰۹۳.۶۱۵	۱	۱۷۰.۰۹۹	۰.۰۰۰
مانده‌ها	۱۱۳۷۹.۰۷۶	۳۸۰		
کل	۱۶۴۷۲.۶۹۱	۳۸۱		

با توجه به اینکه در جدول ۱۵ سطح معناداری کوچکتر از ۰.۰۵ شده و ۱۷۰.۰۹۹ $F(۱ و ۳۸۰) =$ شده است، بنابراین فرض معنادار بودن مدل خطی تایید می‌شود.

جدول ۱۶ خلاصه مدل فرضیه فرعی پنجم

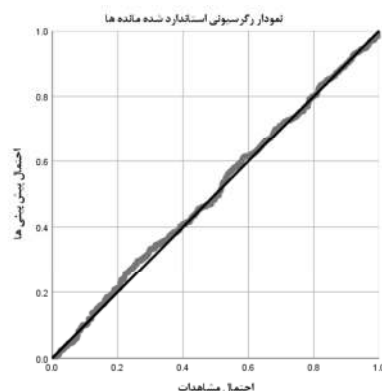
شاخص‌ها	سطح معناداری	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
مدل	۰.۰۰۰	۰.۵۵۶	۰.۳۰۹	۰.۳۰۷

در جدول ۱۶ با توجه به اینکه سطح معناداری از ۰.۰۵ کوچکتر شده است، نتیجه می‌گیریم مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر «قوم‌گرایی» و «تحت‌زب‌گرایی» شهروندان استان بوشهر» معنادار است. از طرفی مقدار ضریب همبستگی ۰.۵۵۶ شده، بیانگر این موضوع است که نوع رابطه بین دو متغیر مستقیم و متوسط است. همچنین ضریب تعیین برابر ۰.۳۰۹ شده که نشان می‌دهد عددی نسبتاً قابل قبول است. با توجه به نتایج به دست آمده از اجرای رگرسیون می‌توان نتیجه گرفت رابطه بین دو متغیر «قوم‌گرایی» و «تحت‌زب‌گرایی» شهروندان استان بوشهر» معنادار، متوسط و مستقیم است همچنین تأثیر «قوم‌گرایی» بر «تحت‌زب‌گرایی» شهروندان استان بوشهر» معنادار بوده و به میزان ۳۰.۹ درصد است. از آنجا که گروه‌های حزبی و احزاب دارای سازوکار اجتماعی دارند که می‌توان با جامعه‌پذیری- سیاسی و اجتماعی برای آنها زمینه‌های مشارکت عمومی سیاسی و همبستگی ایجاد کرد. از طرفی احزاب عموماً کارویژه‌های سیاسی را دنبال می‌کنند و مردم از طریق مشارکت در

فعالیت‌های حزب، قدرت خود را در زمینه تصمیم‌سازی به نمایش می‌گذارند. در این میان، احزاب که نقش تعیین کننده در سیاستگذاری دارند نیز بر مبنای قومیت شکل گرفته‌اند به طوری که حتی یک حزب از محبوبیت و حمایت دو قومیت برخوردار نمی‌باشد و تنها نماینده قومیت خود است. بنابراین می‌توان گفت دلیل تأثیر قوم‌گرایی بر تحزب‌گرایی این است که تحزب‌گرایی در خدمت مشارکت سیاسی است و دستاوردهای مشخصی برای قوم شخص دارد بنابراین قوم‌گرایی باعث شکل‌گیری حزب‌های کوچک و در نتیجه مشارکت بالای سیاسی می‌شود.

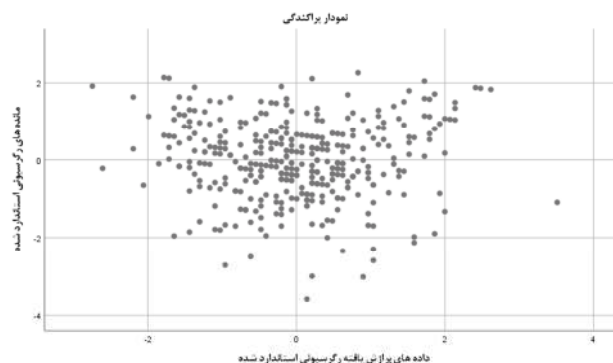
- فرضیه فرعی پنجم:

به نظر می‌رسد قوم‌گرایی بر مدارای اجتماعی شهروندان تأثیر دارد. ابتدا به بررسی شروط اجرای رگرسیون می‌پردازیم تا از برقرار بودن این شروط مطمئن شویم.



نمودار ۹ نرمال بودن مانده‌ها برای قسمت اصلی فرضیه فرعی ششم

در نمودار ۹ با توجه به اینکه حباب‌ها تقریباً به خط واصل چسبیده‌اند، فرض نرمال بودن خطاها در مدل فعلی، تأیید می‌شود.



نمودار ۱۰ ثابت بودن واریانس خطاها برای قسمت اصلی فرضیه فرعی ششم

نمودار ۱۰ دو شرط مهم را بررسی می‌کند: اول معنادار بودن مدل خطی و دوم ثابت بودن واریانس خطاها. با توجه به اینکه حباب‌ها الگوی نظام مندی (شکل قیفی) به خود نگرفته‌اند، بنابراین هر دو فرض ثابت بودن واریانس خطاها و معنادار بودن مدل خطی پذیرفته می‌شود.

جدول ۱۷ دوربین-واتسون فرضیه فرعی ششم

شاخص	دوربین-واتسون
مدل خطی	۱.۷۴۸

با توجه به جدول ۱۷ از آنجا که مقدار آماره دوربین-واتسون برابر ۱.۷۴۸ و بین ۱.۵- و ۲.۵) است، بنابراین فرض ناهمبسته بودن خطاها پذیرفته می‌شود. حال به نتایج رگرسیون می‌پردازیم:

جدول ۱۸ تحلیل مدل فرضیه فرعی پنجم

مدل	مجموع توان دوم داده‌ها	درجه آزادی	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۹۷۵.۰۸۵	۱	۲۲.۰۷۱	۰.۰۰۰
مانده‌ها	۱۶۷۸۷.۸۷۱	۳۸۰		
کل	۱۷۷۶۲.۹۵۵	۳۸۱		

با توجه به اینکه در جدول ۱۸ سطح معناداری کوچکتر از ۰.۰۵ شده و ۲۲.۰۷۱ $F(۱ و ۳۸۰) =$ شده است، بنابراین فرض معنادار بودن مدل خطی تایید می‌شود.

جدول ۱۹ خلاصه مدل فرضیه فرعی پنجم

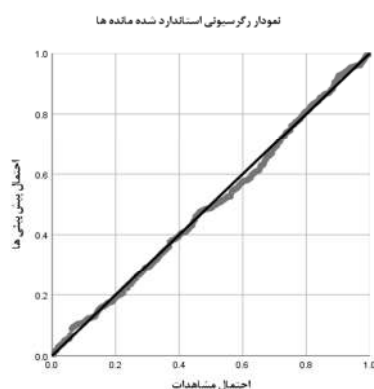
شاخص‌ها	سطح معناداری	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
مدل	۰.۰۰۰	۰.۲۳۴	۰.۰۵۵	۰.۰۵۲

در جدول ۱۹ با توجه به اینکه سطح معناداری از ۰.۰۵ کوچکتر شده است، نتیجه می‌گیریم مقدار ضریب همبستگی بین دوم متغیر «قوم‌گرایی» و «مدارای اجتماعی شهروندان استان بوشهر» معنادار است. از طرفی مقدار ضریب همبستگی ۰.۲۳۴ نشان می‌دهد که بیانگر نوع رابطه مستقیم و متوسط بین دو متغیر است. همچنین ضریب تعیین برابر ۰.۰۵۵ شده که نشان می‌دهد میزان تاثیر متغیر «قوم‌گرایی» بر روی متغیر «مدارای اجتماعی شهروندان استان بوشهر» به میزان ۵.۵ درصد می باشد.

با توجه به نتایج می توان گفت یکی از مصادیق انسجام ملی و قومی مدارای اجتماعی است که در آن میزان پذیرش اقوام دیگر در بین هر قومی تفاوت ندارد و اعضای هر قومی تا حد زیادی قابلیت مدارا با اعضای دیگر اقوام را دارند. به عبارت دیگر انسجام ملی ایرانیان نسبت به پذیرش اقوام دیگر ایرانی که تفاوت های زیادی با اقوام دیگر دارند بسیار بالاست.

- بررسی فرضیه اصلی تحقیق:

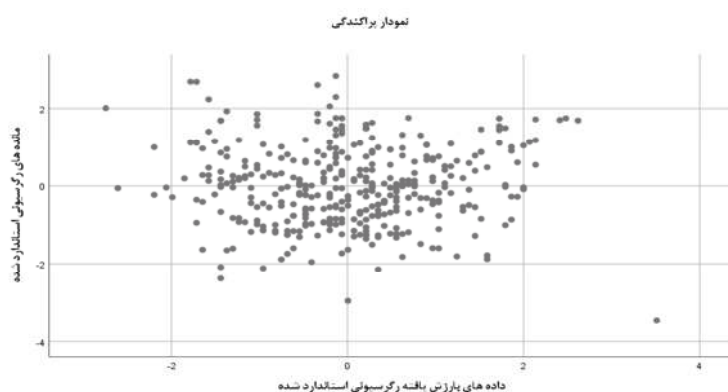
به نظر می‌رسد قوم‌گرایی بر تمایل به توسعه‌ی مدنی شهروندان تأثیر دارد. ابتدا به بررسی شروط اجرای رگرسیون می پردازیم تا از برقرار بودن این شروط مطمئن شویم.



نمودار ۱۱ نرمال بودن مانده ها برای فرضیه اصلی تحقیق

تبیین جامعه‌شناختی تأثیر قوم‌گرایی بر توسعه مدنی ... ۱۶۷

در نمودار ۱۱ با توجه به اینکه حباب‌ها تقریباً به خط واصل چسبیده‌اند، فرض نرمال بودن خطاها در مدل فعلی، تایید می‌شود.



نمودار ۱۲ ثابت بودن واریانس خطاها برای فرضیه اصلی تحقیق

نمودار ۱۲ دو شرط مهم را بررسی می‌کند: اول معنادار بودن مدل خطی و دوم ثابت بودن واریانس خطاها. با توجه به اینکه حباب‌ها الگوی نظام مندی (شکل قیفی) به خود نگرفته‌اند، بنابراین هر دو فرض ثابت بودن واریانس خطاها و معنادار بودن مدل خطی پذیرفته می‌شود.

جدول ۲۰ دوربین-واتسون فرضیه اصلی تحقیق

شاخص	دوربین-واتسون
مدل خطی	۱.۷۰۱

با توجه به جدول ۲۰ از آنجا که مقدار آماره دوربین-واتسون برابر ۱.۷۰۱ و بین ۱.۵- و ۲.۵) است، بنابراین فرض ناهمبسته بودن خطاها پذیرفته می‌شود. حال به نتایج رگرسیون می‌پردازیم:

جدول ۲۱ تحلیل مدل فرضیه اصلی تحقیق

مدل	مجموع توان دوم داده‌ها	درجه آزادی	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۹۴۶۱۱.۴۷۹	۱	۲۲۷.۴۱۹	۰.۰۰۰
ماترچه‌ها	۱۵۸۰۸۸.۴۱۹	۳۸۰		
کل	۲۵۲۶۹۹.۸۹۸	۳۸۱		

با توجه به اینکه در جدول ۲۱ سطح معناداری کوچکتر از ۰.۰۵ شده و ۲۲۷.۴۱۹ $F(۱ و ۳۸۰)$ شده است، بنابراین فرض معنادار بودن مدل خطی تایید می‌شود.

جدول ۲۲ خلاصه مدل فرضیه اصلی تحقیق

شاخص‌ها	سطح معناداری	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
مدل	۰.۰۰۰	۰.۶۱۲	۰.۳۷۴	۰.۳۷۳

در جدول ۲۲ با توجه به اینکه سطح معناداری از ۰.۰۵ کوچکتر شده است، نتیجه می‌گیریم مقدار ضریب همبستگی بین دوم متغیر «قوم‌گرایی» و «تمایل به توسعه‌ی مدنی شهروندان استان بوشهر» معنادار است. از طرفی مقدار ضریب همبستگی ۰.۶۱۲ شده، بیانگر این موضوع است که نوع رابطه بین دو متغیر مستقیم و متوسط است. همچنین ضریب تعیین برابر ۰.۳۷۴ شده که نشان می‌دهد عددی نسبتاً قابل قبول است. این عدد نشان دهنده درصدی از تغییرات «تمایل به توسعه‌ی مدنی شهروندان استان بوشهر» است که توسط «قوم‌گرایی» تبیین می‌شود. بنابراین میزان تاثیر متغیر «قوم‌گرایی» بر روی متغیر «تمایل به توسعه‌ی مدنی شهروندان استان بوشهر» به میزان ۳۷.۴ درصد می‌باشد.

در تفسیر نتایج می‌توان گفت با توجه به اینکه قوم‌گرایی باعث ارتقای توسعه‌ی مدنی شده که این خلاف بیشتر تئوری‌های توسعه‌ی مدنی است، بنابراین مهم‌ترین تفسیر که می‌توان داشت این است که سابقه‌ی تاریخی زیست چندصدساله انسان‌هایی که با فرهنگ‌های قومی متعدد با یکدیگر زندگی کرده‌اند در یک فرآیند تاریخی به یک زیست مسالمت آمیز رسیده‌اند و موضوعی به نام تبعیض بر اساس قومیت در استان بوشهر کم‌رنگ شده است. از طرف دیگر در استان بوشهر قوم‌گرایی نه تنها منفی عمل نمی‌کند بلکه مثبت عمل می‌کند به عبارتی دیگر قوم‌گرایی مانع توسعه‌ی مدنی نمی‌شود و دلایل مختلفی از جمله؛ ساختار جغرافیای سیاسی، تجربه‌ی فرهنگ سیاسی و اقتصادی در این میان تاثیرگذار و باعث توسعه‌ی مدنی شده است.

- مقایسه میانگین توسعه‌ی مدنی و ابعاد آن به تفکیک شاخص‌های متغیر مستقل:

در نهایت از طریق آزمون GLM برای بررسی آزمون مقایسه میانگین توسعه‌ی مدنی به تفکیک قوم‌مداری مشخص گردید که افراد مورد مطالعه که از سطح بالای قوم‌مداری برخوردارند به اندازه ۴۳/۷۹ واحد میانگین در مقام قیاس با افراد سطح متوسط قوم‌مداری؛ از توسعه‌ی مدنی بیشتری (بالاتری) برخوردارند. در مقام قیاس افراد مورد مطالعه دارای

سطح متوسط قوم‌مداری نسبت به افراد سطح کم؛ مشخص گردید که به اندازه ۱/۲۱ واحد میانگین از توسعه‌ی مدنی بالاتری برخوردارند. بنابراین به لحاظ رتبه‌بندی افراد سطح بالای قوم‌مداری در رتبه اول توسعه‌ی مدنی؛ افراد سطح متوسط و پایین در رتبه دوم توسعه‌ی مدنی قرار دارند.

شاخص مشارکت اجتماعی به تفکیک قوم‌مداری نشان داد که افراد سطح بالا در مقام قیاس با سایر سطوح از میانگین بالاتری از مشارکت اجتماعی برخوردارند و مقایسه سطح بالا و سطح کم نشان از ۷/۳۹ واحد میانگین افزایش را نشان می‌دهد که در رتبه اول قرار دارد. در مرتبه دوم افراد سطح متوسط در مقام قیاس با سطح کم به اندازه ۱/۲۷ واحد میانگین؛ افزایش مشارکت اجتماعی را نشان می‌دهد. رتبه سوم سطح متوسط در مقام قیاس با سایر سطوح کاهش میانگین را نشان می‌دهد.

شاخص مدارای اجتماعی به تفکیک قوم‌مداری نشان داد افراد مورد مطالعه که از سطح بالای قوم‌مداری برخوردارند به اندازه ۵/۵ واحد میانگین در مقام قیاس با سایر سطوح از میانگین بالاتری از مدارای اجتماعی برخوردارند. افراد مورد مطالعه که سطح متوسط قوم-مداری دارند با افراد سطح کم مشخص گردید که به اندازه ۲/۸۷ واحد میانگین از مدارای اجتماعی بالاتری برخوردارند. بنابراین به لحاظ رتبه‌بندی افراد سطح بالای قوم‌مداری در رتبه اول مدارای اجتماعی و افراد سطح متوسط و پایین در رتبه دوم مدارای اجتماعی قرار دارند.

درمقایسه میانگین رفتار شهروندی با قوم‌مداری تفاوت معناداری وجود نداشت. شاخص تحزب‌گرایی به تفکیک قوم‌مداری نشان می‌دهد که افراد سطح بالا در مقام قیاس با افراد سطح متوسط به اندازه ۸/۹۸ واحد میانگین افزایش و در مقام قیاس با افراد سطح کم به اندازه ۹/۹۲ واحد میانگین افزایش تحزب‌گرایی داشته ایم. به لحاظ رتبه‌بندی افراد سطح بالا در مرتبه اول و افراد سطح متوسط در مرتبه دوم و افراد سطح کم در مقام سوم قرار دارند.

در مقایسه میانگین‌ها در بحث میانگین توسعه‌ی مدنی و شاخص‌های آن به تفکیک ترجیح قومی و گرایش قومی به این دلیل که مقدار sig یا معنی داری بزرگتر از ۵٪ است و از سویی تعداد افراد مورد مطالعه در دو متغیر ترجیح قومی و گرایش قومی به صورت تساوی نمی‌باشند لذا تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود.

۱۰. بحث و نتیجه‌گیری

مسئله‌ی پژوهشی ما ناظر به بررسی تاثیر قوم‌گرایی بر توسعه‌ی مدنی و شاخص‌های مشارکت اجتماعی، تحزب‌گرایی، قانون‌گرایی، مدارای اجتماعی و رفتار شهروندی یا شهروندگرایی در استان بوشهر است، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که علی‌رغم پیش‌فرض‌های نظری در ادبیات تحقیق و تصور عام از این موضوع افزایش میزان قوم‌گرایی، میزان تمایل به توسعه‌ی مدنی و ابعاد آن نیز افزایش می‌یابد. در واقع با افزایش میزان قوم‌گرایی میزان تمایل به مشارکت اجتماعی، تحزب‌گرایی، قانون‌گرایی، مدارای اجتماعی و شهروندگرایی افزایش می‌یابد. یافته‌های نهایی تحقیق نشان می‌دهد که تاثیر متغیر قوم‌گرایی بر مشارکت اجتماعی برابر ۳۶.۹ درصد است به عبارتی قوم‌گرایی به میزان ۳۶.۹ درصد بر روی توسعه‌ی مدنی تاثیر مثبت و مستقیم دارد، که با نتایج تحقیق پاملا اولیور (۲۰۱۷) تحت عنوان «ابعاد قومیتی در جنبش‌های اجتماعی» همراستاست.

از سویی تاثیر قوم‌گرایی بر مدارای اجتماعی جمعیت مورد مطالعه به میزان ۲۸۸ درصد در جهت مثبت و مستقیم است که این عدد نشان می‌دهد که با ۲۸۸ درصد از مدارای اجتماعی شهروندان استان بوشهر تحت تاثیر قوم‌گرایی است که نتیجه این فرضیه با نتایج پژوهش سجادیان و همکاران (۱۳۹۴) تحت عنوان «ارزیابی نقش طایفه‌گرایی در احساس امنیت اجتماعی هم راستاست. بر اساس پیمایش انجام شده تاثیر متغیر قوم‌گرایی بر قانون‌گرایی برابر ۸.۵- درصد، و نیز بر رفتار شهروندی برابر ۴۸.۷ درصد بدست آمده است، با این تفاسیر قوم‌گرایی توانسته است بر درصد اندکی از قانون‌مندی شهروندان استان بوشهر تحت تاثیر قرار دهد و بالعکس درصد بالایی از رفتار شهروندی در استان بوشهر را تحت تاثیر مستقیم و مثبت خود قرار دهد در نهایت تاثیر متغیر قوم‌گرایی بر تحزب‌گرایی برابر ۴۴.۲ درصد است، بدین منظور که تحزب‌گرایی در استان بوشهر ساختار قومی به خود گرفته است و ۴۴.۲ درصد شهروندان استان بوشهر با نگاه قومیتی به احزاب رای می‌دهند. نتایج موید این نکته است که قوم‌گرایی موضوعی مؤثر در ارتقاء توسعه‌ی مدنی در استان بوشهر است. اهمیت مسئله‌ی قومیت در جوامعی شبیه ایران با تنوع فرهنگی گوناگون به حدی است که می‌تواند توسعه‌ی مدنی جوامع را تهدید و یا تضمین نماید. به نظر می‌رسد در استان بوشهر عامل قومی توانسته است تقاضای افراد را برای سهم‌شدن در اقدام جمعی به طرق متعددی افزایش دهد. بنابراین می‌توان گفت درصد بالایی از تغییرات توسعه‌ی مدنی

تحت تأثیر متغیری به نام قوم‌گرایی است و درصدی از تغییرات توسعه‌ی مدنی ناشی از متغیرهای خارج از مدل تحقیق می‌باشد.

ادبیات نظری چه از منظر جامعه‌شناسی و یا سایر تحقیقات فرهنگی منطقه‌ای بر این قاعده تأکید دارند که با افزایش قوم‌گرایی، شاخص‌های توسعه‌ی مدنی کاهش می‌یابد؛ ولی نتایج حاصل از انجام پیمایش در این تحقیق نقطه‌ی مقابل و معکوس قرار دارد. به نظر می‌رسد سابقه‌ی تاریخی و زیست چند صدساله‌ی فرهنگ‌های قومی متعدد که در این استان در کنار یکدیگر و در یک فرایند تاریخی طولانی به یک زیست مسالمت آمیز رسیده‌اند و مسئله‌ای تحت عنوان ستیز قومیتی و نیز قوم‌گرایی غیرمدنی در این استان را کمرنگ نموده است. هر چند این توسعه مقطعی است لذا نمی‌توان قوم‌گرایی را مثبت پذیرفت و آن را فرآیندی مثبت ارزیابی نمود و بایستی به دنبال شناسایی راهکارهای اساسی بود که به شکل قابل ملاحظه و باعث قوام و دوام توسعه‌ی مدنی در استان در حال تحول بوشهر شود. به نظر می‌رسد هر نوع راهکار و راهبرد ممکن، باید در چارچوب نتایج بدست آمده از پژوهش‌های بیشتر در این زمینه و یا موارد مشابه باشد. سیاست و برنامه‌های توسعه منطقه‌ای باید در چارچوب حمایت از اقوام و ملیت‌های مختلف در راستای توسعه‌ی سرزمینی کشور باشد چرا که اقوام در حکم سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی و یک واقعیت غیرقابل کتمان در جغرافیای سیاسی ایران نقش مهم در ارتقای توسعه‌ی مدنی در سطح منطقه‌ای و ملی دارند.

کتاب‌نامه

- صمیمی، محمد ۱۳۹۵. قومیت و قوم‌گرایی در ایران. نشر نی.
- احمدی محمدحسین، الوند مریم (۱۳۹۱). نقش قوم‌گرایی در ناآرامی‌های اجتماعی. فصلنامه انتظام اجتماعی، تابستان ۱۳۹۱، دوره ۴، شماره ۲.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری. (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی توسعه. تهران: انتشارات کیهان.
- استیوس، اچ لسل. ملکوت، سرینیواس. ۱۳۸۸. مترجم شعبانعلی بهرامپور. ارتباطات توسعه در جهان سوم. ناشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- پیرمومن، حمیرا (۱۳۹۴). موانع توسعه جامعه‌ی مدنی در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر نقش دولت، احزاب سیاسی و تشکلات صنفی. پایان نامه دانشگاه آزاد واحد مرودشت. استاد راهنما: محسن شیخ‌الاسلامی.

خانیک، هادی (۱۳۸۷). جامعه انقلابی، جامعه‌ی مدنی و جامعه اخلاقی. مجله آیین، شماره ۱۳ و ۱۴ (صص ۴ تا ۵)

زنگی آبادی، علی. ابوالحسنی، فرحناز (۱۳۹۱). تحلیلی بر شاخصهای توسعه ناحیه ای شهرستانهای ایران در سال ۱۳۸۵. فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس، سال ۴، شماره ۱۳. سجادیان ناهید، نعمتی مرتضی، شجاعیان علی، اورکی پریوش (۱۳۹۴). ارزیابی نقشه طایفه‌گرایی در احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: شهر ایذه). اطلاعات جغرافیایی: تابستان ۱۳۹۴، دوره ۲۴، (شماره ۹۴؛ ۷۶-۵۷).

شاه بهرامی، فرخ الله (۱۳۸۷). تبیین مفاهیم و موانع توسعه از دیدگاه های مختلف، با تأکید بر تأثیر منفی مواد مخدر بر توسعه. اعتیاد پژوهی « شماره ۷ ISC (۱۱۵ - ۱۲۲).

غفوری، محمد؛ جعفری، روح الله؛ ۱۳۸۷. سرمایه اجتماعی، جامعه‌ی مدنی و دموکراسی؛ رابطه متقابل یا یک سویه. پژوهشنامه علوم سیاسی. شماره ۱۲ علمی-پژوهشی/ISC (۳۰ صفحه - از ۲۰۹ تا ۲۳۸)

فاضلی محمد، فتاحی سجاد، زنجان رفیعی سیده نسترن (۱۳۹۲) توسعه اجتماعی، شاخص ها و جایگاه ایران در جهان. مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی : دوره ۲، شماره ۱؛ ۱۴۹-۱۷۱.

فرهادی، محمد؛ کاظمی، علی (۱۳۹۲) توسعه اقتصادی - اجتماعی، قومیت و مشارکت سیاسی. م. جله: مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران « زمستان ۱۳۹۲، دوره دوم - شماره ۴ علمی-پژوهشی/ISC (۲۷ صفحه - از ۵۷۱ تا ۵۹۷).

قادری، امید (۱۳۸۱). هویت جمعی غالب کردها در کشورهای ایران و عراق. پایان نامه، استاد راهنما: محمدعبداللهی.

موسایی میثم، احمدزاده، مریم. ۱۳۸۸. آموزش توسعه ای و توسعه پایدار. مجله راهبرد یاس. تابستان ۱۳۸۸.

موسوی، سید یعقوب (۱۳۹۱)، درآمدی بر بنیادهای نظری حقوق شهروندی در شهر، پژوهشگاه علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی

نوربخش، یونس (۱۳۸۷). فرهنگ و قومیت، مدلی برای ارتباطات فرهنگی در ایران. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷، صص. ۶۷ تا ۷۸.

یگانه، سیامک (۱۳۹۴) بررسی شاخصه ای توسعه پایدار بنادر در راستای دستیابی به جایگاه بنادر سبزو وضعیت اعمال آنها در طرح توسعه بندر شهید بهشتی چابهار. فصلنامه حمل و نقل دریایی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۶ تا ۲۶.

یوسفی، علی و اصغریور ماسوله، احمدرضا (۱۳۸۸). قوم‌مداری و اثر آن بر روابط بین قومی در ایران. دانشنامه علوم اجتماعی. دوره ۱، شماره ۱.

فالکس، کیث (۱۳۸۱) شهروندی. محمدتقی دلفروز. تهران: کویر.

- Barr-Anderson, D. J., Flynn, J. I., Dowda, M., Ross, S. E. T., Schenkelberg, M. A., Reid, L. A., & Pate, R. R. (2017). The modifying effects of race/ethnicity and socioeconomic status on the change in physical activity from elementary to middle school. (*Journal of Adolescent Health*, 61(5), 562-570).
- Oliver, P. (2017). The ethnic dimensions in social movements. *Mobilization: An International Quarterly*, 22(4), 395-416.
- Teangsompong, T., & Sirisunhirun, S. (2002). Multi-level structural equation modeling for city development based on the expectations of the local population in a special border economic zone in Western Thailand. (*Kasetsart Journal of Social Sciences*, 39(3), 534-541).
- Turner, Bryan (2006) *The Cambridge dictionary of sociology*, Cambridge: Cambridge university press.
- Williams, charles c. (1997) *Redesigning social inquiry*, Chicago: The university of chicago press.
- Habermas, J. (1992) *Citizenship & National Identity: some Reflection on the future of Europ in praxis International*, Vol 12:7-19.
- UNDP. Human Development REPORT Office. 2011; Available at URL: http://www.undp.org.rw/HDR_2011_EN.pdf. Accessed August12, 2011